

محبت هرگز ساقط نمی شود

سال چهارم شماره 40 فوریه 2009

www.TabdiiMagazine.blogfa.com

تبذیل
ماهنامه



از اکل به خدا پناه آوردم

آیا خدا وجود دارد؟

طیب محبوب من

موفقیت زناشویی

چطور همسر خسیس خود را درمان کنیم؟

آموزه بخشش

ماهنامه تبذیل را می توانید بر روی آدرس اینترنتی www.SimaMasih.com و www.TabdiiMagazine.blogfa.com مطالعه نمایید. همچنین می توانید نظرات خود را برای ما بفرستید: Tabdii@IRANforCHRIST.com



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

دانشتیا

گفتگو با خدا



پخش زنده برنامه تلویزیونی سیمای مسیح هر دوشنبه ساعت 9 صبح به وقت لس آنجلس در شبکه محبت

آدرس اینترنتی: www.SimaMasih.com www.Mohabat.tv

جمهوری اسلامی مخالفت‌های خودبا مسیحیان را تشدید میکند
دیدگاه‌های رئیس سازمان بین‌المللی مسائل پیرامون مسیحیان دنیا، درمورد عملکرد احمدی نژاد در خصوص مسیحیان ایران

نحوه مدیریت/ویا، قطعاً تفاوت‌های فاحشی با جورج بوش خواهد داشت. اما به هر حال، یک چیز مشخص است: ایران درباره آنچه که خودشان "نفوذ غرب" می‌نامند، بسیار نگران است. جف کینگ، رئیس سازمان بین‌المللی مسائل پیرامون مسیحیان دنیا در واشنگتن، معتقد است که مسیحیان ایرانی اغلب دستگیر شده، و مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می‌گیرند. و این کل ماجرا نیست. وی اضافه می‌کند: مجلس شورای اسلامی ایران قصد دارد قوانینی پیرامون ارتداد وضع کرده و مجازات‌هایی سنگین، نظیر اعدام، یا حبس ابد برای مسلمانانی که به مسیحیت گرویده‌اند، در نظر بگیرد. این موارد حقیقت دارد و تلاش ما نیز بر این است که حداقل برخی



از این ایمانداران و نوکیشان مسیحی را که تحت شکنجه بوده‌اند، بر اساس قوانین حقوق بشر کمک کرده و از کشور بیرون بیاوریم. جف کینگ می‌گوید که دلیل این اقدامات دولت ایران را می‌داند: آنها می‌بینند که اکثر جوانان اخیراً در راه‌های غلط پی می‌گذارند و دولت نمی‌داند در این باره چه تصمیمی بگیرد. احمدی نژاد هم می‌گوید: مسیحیت را متوقف خواهیم کرد و جلوی رشد آن را می‌گیریم. اما به عقیده من او متوجه خواهد شد که اکثر رهبران بزرگ دنیا وقتی می‌خواهند چنین کاری نکنند، چه اتفاقاتی خواهد افتاد. آنها با مخالفت‌هایشان، در واقع به گسترش و رشد مسیحیت کمک می‌کنند. گزارش تمامی رسانه‌های مسیحی که اطلاعاتی درباره ایران دارند، همین است که این مخالفتها و سختگیری‌ها، اشتیاق بی‌سابقه‌ای در مردم به وجود آورده تا مسیحیت را بیشتر بشناسند. کینگ که به شدت نگران امنیت نوکیشان و ایمانداران مسیحی ایران است، می‌گوید: باید برای کلیسای ایران دعا کنیم: کلیسا به نوعی در یک پروسه پاکسازی قرار دارد، آنتیکه ایمان کامل نداشته پاهنوز تردید دارند، در این جریان، مسیحیت را کنار می‌گذارند و آنچه باقی می‌ماند، گروهی ایماندار است که تماماً خود را وقف خداوند کرده‌اند. او می‌گوید نتیجه تسلیم شدن به خدا کاملاً واضح است: آنها دعا خواهند کرد و به بشارت انجیل می‌پردازند. بقیه مردم هم زندگیهای ایشان را می‌بینند و اینگونه است که مسیحیت رشد می‌کند. این اتفاق همیشه در طول تاریخ افتاده است. برای مسیحیان داخل ایران که هر روزه با تزلزلات سیاسی و خشونت روبه‌رو هستند، دعا کنید.

گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از شبکه Mission Network News

برای تمام چیزهای منفی که ما بخود می‌گوییم، خداوند پاسخ مثبتی دارد. تو گفتی؛ آن غیر ممکن است، خداوند پاسخ داد: همه چیز ممکن است. تو گفتی؛ هیچکس واقعاً مرا دوست ندارد، خداوند پاسخ داد: من تو را دوست دارم.

تو گفتی؛ من بسیار خسته هستم، خداوند پاسخ داد: من به تو آرامش خواهم داد. تو گفتی؛ من توان ادامه دادن ندارم، خداوند پاسخ داد: رحمت من کافی است. تو گفتی؛ من نمی‌توان مشکلات را حل کنم، خداوند پاسخ داد: من گام‌های تو را هدایت خواهم کرد.

تو گفتی؛ من نمی‌توانم آن را انجام دهم، خداوند پاسخ داد: تو هر کاری را با من می‌توانی به انجام برسانی.

تو گفتی؛ آن ارزشش را ندارد، خداوند پاسخ داد: آن ارزش پیدا خواهد کرد. تو گفتی؛ من نمی‌توانم خود را بیخشم، خداوند پاسخ داد: من تو را بخشیدم.

تو گفتی؛ من می‌ترسم، خداوند پاسخ داد: من روحی ترسو به تو ندادم.

تو گفتی؛ من همیشه نگران و ناامیدم، خداوند پاسخ داد: تمام نگرانی‌هایت را به دوش من بگذار.

تو گفتی؛ من به اندازه کافی ایمان ندارم، خداوند پاسخ داد: من به همه به یک اندازه ایمان داده‌ام.

تو گفتی؛ من به اندازه کافی با هوش نیستم، خداوند پاسخ داد: من به تو عقل داده‌ام.

تو گفتی؛ من احساس تنهایی می‌کنم، خداوند پاسخ داد: من هرگز تو را ترک نخواهم کرد.



جابجایی پیکر دکارت برای بار سوم

بار نخست جسد وی از محل درگذشت و دفن استکهلم پایتخت سوئد به فرانسه انتقال یافت پس از آن نیز در زمان انقلاب کبیر فرانسه پیکر دکارت چندین بار جابجا شد و در نهایت در کلیسای سن ژرمن دو بری در پاریس آرام گرفت.

مهر: پس از گذشت 358 سال از مرگ رنه دکارت پیکر وی بار دیگر از پاریس به محل تحصیلهش واقع در شمال غربی فرانسه منتقل خواهد شد. با وجود گذشت بیش از 350 سال از مرگ او - پدر فلسفه جدید غرب - دولت فرانسه اعلام کرد که پیکروی را از پاریس به محل تحصیلهش در سارت واقع در شمال غربی فرانسه منتقل خواهد کرد. این سومین بار است که پیکر او جابجا میشود. گفته میشود تاکنون چند قطعه از استخوانهای دست او به سرقت رفته و فروخته شده است و کارشناسان میراث فرهنگی فرانسه فاش کرده‌اند که مجموعه‌ای که در موزه بشر این کشور نگهداری میشود کاسه سردکارت است. در سپتامبر 1649 به دعوت کریستین ملکه سوئد برای تعلیم فلسفه خویش به دربار وی در استکهلم رفت. اما زمستان سرد این کشور اسکاندیناوی از یکسوسو ضرورت سحر خیزی در ساعت 5 بامداد برای تعلیم ملکه از سوی دیگر، دکارت را که به این نوع آب و هوا و سحر خیزی عادت نداشت به بیماری ذات الریه مبتلا ساخت و سرانجام در 1 فوریه سال 1650 در همان جا درگذشت و پس از مدتی جسدش به فرانسه انتقال یافت.

با تشکر از کمپانی Ridgeline Express INC. که با حمایت مالی خود ما را در چاپ ماهنامه تبدیل در ماه فوریه یاری دادند.

دوستان مهربان من، دروهای گرم خود را بدینوسیله خدمتتان تقدیم می‌دارم. ماه فوریه آمد و بسیاری از ما در تدارک روز عشق (ولنتین) شده‌ایم. ما هم بی‌مناسبت ندیدیم که چند سطر درباره موضوع محبت عشق برایتان بنویسیم.



همه ما میدانیم که بسیاری از اوقات وقتی سخن از محبت به میان می‌آید منظور همان عشق الهی است که درمانگر همه دروهای بی‌درمانی است که از آن دردها شافی میشود. شخصی گفته است که؛ بیشتر عشق بورزید، عشق و خنده را در دنیا بگسترانید. محبت کردن تنها راه بقا و حفاظت بشریت، در این برابر همه سلاح‌های بی‌مهری در دنیا است. شاعر ایرانی نیک گفته است که:

در تمام مصحف پاک و مجید
واژه‌ای از عشق هرگز کس ندید
باری، اگر عشق جاری نشود، زندگی انسانی تبدیل به ترس میگردد. چنانکه کتاب مقدس میفرماید، در محبت الهی خوف نیست. اگر عشق باور شود و فائق آید، ترس زایل میگردد. پادزهر همه ناملایمات و نگرانیهای دنیای اطراف ما محبتی است که از دل برمی‌آید. گویی حتی مرگ هم قادر نیست بر چنین محبتی غلبه کند. پس محبت و عشق قادر است تا درمانگر بسیاری از دروهای بی‌درمان باشد...
بنابراین بیاید تا با محبت به دیگران تلخی‌ها را شیرین سازیم، آری با محبت به دیگران میتوان مرده‌ها را زنده ساخت. این همان اراده و مشیت الهی برای همه ما انسانها است. او که خود همیشه در این امر پیش قدم بوده است، طالب اینست که ما نیز همچون او عمل کنیم.
روز عشق بر همه عشق ورزان مبارک باد.

گس آنجلس فوریه 2009
التان باغستانی

حمایت مالی شما را از ماهنامه تبدیل پذیرایم.

ماهنامه تبدیل
مدیر مسئول: التان باغستانی
ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح
ویراستار: نازنین باغستانی

TEL: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com
www.SimaMasih.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com

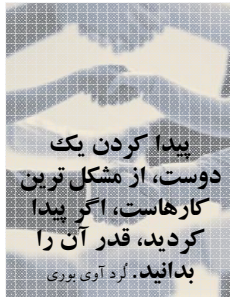
Iran for Christ Ministries
P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی‌ها را چاپ کرده و یا رد کند
We have the right to refuse publishing.



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

توضیح زندگی



مسیحی شدن یک زن آنچه از اسلام در ایران دیدم، جز تحقیر انسان و به ویژه تحقیر زنان نبود

مرجان درباره انگیزه خود در گرویدن به مسیحیت میگوید: من بدون اعتقاد به خدا نمیتوانستم زندگی کنم... به دنبال خدایی بودم که بخشاینده و مهربان باشد. در ایران اسلامی خدای کین حکومت میکرد و من نیازمند خدای محبت بودم.



شهرزاد نوز: مرجان صادقی نجات، 29 ساله، متولد تهران است. وی در همان سال پیروزی انقلاب اسلامی به دنیا آمده است. در رشته ریاضیات و زبان انگلیسی تحصیل کرده است و اکنون در آلمان به سر می برد. مرجان تغییر مذهب داده و مسیحی شده است. بیش از 5 هزار نفر از ایرانیان فارس زبان، تنها در آلمان به مسیحیت گرویده اند.

مرجان درباره انگیزه خود در گرویدن به مسیحیت میگوید: من بدون اعتقاد به خدا نمیتوانستم زندگی کنم. آنچه از اسلام در ایران دیدم، جز تحقیر انسان و به ویژه تحقیر زنان نبود. از 99 نام خدا در اسلام، در عمل تنها با جبار و قاهر و قهار و منتقم آشنا شدم. به دنبال خدایی بودم که بخشاینده و مهربان باشد. در ایران اسلامی خدای کین حکومت میکرد و من نیازمند خدای محبت بودم. مرجان در پاسخ به این پرسش که چرا به دین دیگری نگرویدی، مثلاً بودایی، گفت: من ذهنیتی از بودایی ها در ایران نداشتم. باغبی مسیح ذهنم آشنا بود. از آن گذشته وجود دوستان مسیحی در ایران و مهربانی هایشان نسبت به من، مرا بیشتر به فکر فروبرد. آرامش آنان با وجود محدودیت ها برای من تحسین برانگیز بود. من از آن همه شعارها و پخش شبانه روزی کینه نسبت به بشریت خسته شده بودم. دنبال دینی بودم که به من آرامش ببخشد. در مورد علت غسل تعمیدش در آلمان میگوید: در ایران ترس مانع غسل تعمید تو میشد. کشیش مسیحی در ایران اگر تو را غسل بدهد، هم خودش و هم تو را به خطر میاندازد. بنابراین امکانش در ایران نبود. آزادی مذهب در ایران مثل همه شعارهای حقوق بشری اش، افسانه ای بیش نیست. حتی داشتن دو نسخه از کتاب مقدس حمل بر تبلیغ مسیحیت میشود. و تبلیغ مسیحیت در میان مسلمانها و مسلمان زادگان ممنوع است. برعکس اش اما پاداش دنیوی و آخروی به همراه دارد. لبخند میزند و ادامه می دهد: این اوج آزادی است، البته برای خودشان. سابقه مسیحیت هم چندان درخشان نیست. در این باره فکر کرده اید؟ میگوید: بله، اما این سابقه به قرنهای پیش برمیگردد.

مسلمانان در همه کشورهای مسیحی از آزادی مذهبی برخوردارند، در حالی که مسیحیان و پیروان دیگر ادیان در تقریباً همه کشورهای اسلامی باید همه نوع محدودیت و محرومیت را بپذیرند. در جواب جدایی دین از دولت در این کشورها می گوید: شاید حق با شما باشد، اما لاقابل مسیحیت این ظرفیت را دارد که جدایی دین و دولت را بپذیرد. اما در اسلام حاکم بر ایران، با عرض معذرت، حتی به توات و رختخواب شما هم کار دارند. خانم نجات در پاسخ به این پرسش که حالا چرا درست در زمانی که لایحه ارتداد مطرح است، مسیحی شدن خود را آشکار میکنی؟ می گوید: اگر منظورتان این است که خواسته ام

با این اقدام به طرح این لایحه اعتراض کنم، صادقانه بگویم که اول قصد من این نبود. اما چنین تعبیری را هم می پذیرم. تا کی باید این همه ستم را در سکوت پذیرفت؟ ببینید چقدر از هموطنان آسوری، ارمنی و یهودی ما مجبور به ترک وطن شده اند! من اما در تمام طول عمرم خود را مورد تحقیر و تحت کنترل دیدم. حتی راه پلهای دانشگاه ها هم زنانه- مردانه بود. اتوبوسها و کنار دریا هم همین طور. به شدت کنجکاو می ما را نسبت جنس مخالف برنگیخته میکنند و بعد هم انتظار دارند که فاصله مان را نسبت به آنها حفظ کنیم.

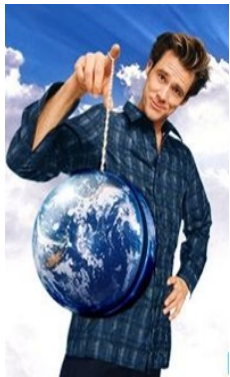
مشهورترین کمترین هالیوود: از الکل به خدا پناه آوردم

گزارشگر «C.B.S» در مصاحبه ای بسیار نادر و دوستانه با جیم کری درباره زندگی اش، معنویت و برخوردش با ناامیدی و افسردگی، به گفت و گو نشسته است. جیم کری، بازیگر سینما، بیشتر به خاطر نمایشهای کمدی خنده دار و جالبش شهرت دارد که وی را به یکی از ستاره های ماندگار هالیوود تبدیل کرده است.

او یکی از بازیگران ثروتمندی است که هر عکس او، 35 دلار به فروش میرسد. جیم کری را کودک جسور، گستاخ و پراز شادی و شیطنت نامیده اند. وی



از حس خودخواهی و ناامنی وی ثباتی برخی انسانها، تکبر و از خود گذشتگی، تظاهر به شجاعت جاهل و موآبانه و حساسیتهای زنانه، موضوعات خنده دار و کمدی می سازد که از تمام این موارد، شاید مقداری ناچیز و جزئی در شخصیت وی وجود داشته باشد. کری، یکی از بزرگترین دلقکهای است که همه توجهات را از سمت سیرک و رهبر سیرک، به سمت خودش معطوف کرده است. او لباس خاص خودش را می پوشد و حالتها عجیب از خود درمی آورد. طنزی قابل لمس، فیزیکی و دیداری دارد که با صورتی بسیار انعطاف پذیر همراه است. او می تواند نقش یک آدم شرور یا حتی دلقکی افسرده و ناراحت را بازی کند، اما اینها همه چیزهای گفتنی درباره وی نیست. وقتی کرافت در خانه او در لس آنجلس با وی ملاقات داشت، کری وقت زیادی را صرف این می کرد که چه باید بر زبان آورد. کری میگفت که تا ساعت سه صبح کار میکرد و حالا بخاطر خستگی جلوی دوربین، ناامید و بی حال جلوه خواهد کرد و این مسئله او را ناراحت می کرد. کری می گفت که همیشه خواهان آن است که بر حرفهای خود تمرکز داشته باشد و به باور خود، آنچه را که حقیقت دارد، بر زبان آورد. او شخصیتی جدی، پیچیده و درونگرا داشت و این مطلب، کرافت را بر آن داشت که درباره او و زندگی اش بیشتر بداند. فلسفه زندگی برای کری، زندگی کردن در زمان حال است و اینکه مثل بچه ها، خود واقعی خودمان باشیم و از زندگی لذت ببریم.



در زمان حال بودن، سهمی اساسی در کارهای مواد و داروها، کمدی او دارد. کری می گوید، اگر در همین شاید در تضعیف لحظه ای که در آن هستی، زندگی نکنی، به دردها و دنبال بلا تکلیفی میگردی یا به عقب برگشته ای، ناراحتیهای ما بنابراین دچار ناراحتی و پشیمانی میشوی. نقش مؤثر باشند، اما کری در هالیوود و بازی کمدی وی، ماسکی در نهاییست، بر چهره او محسوب می شود. هنوز در چهره او فایده ای برای ما کودکانه ای را میتوان یافت که محرومیت ندارند. وی شرایط سخت زندگی را تجربه کرده است. می گوید: در این وقتی از او پرسیده میشود که ریشه این استعداد است. ممکن کمدی وی در کجاست، میگوید که پدر مادری لطمه احساس بیمار داشته و وی برای اینکه آنها حالشان کمی کنسید حس بهتر شود، کارهای خنده دار می کرده است. نا امید و

مادرش بسیار قرص می خورده و بیشتر اوقات در بستر بیماری بوده و او برای بهتر شدن حال مادرش، اداهای عجیب و غریب از خود در می آورده است. گاهی با بالا رفتن از دیوارها و لیختن بزیند. او در ادامه می گوید، من به ندرت پرت کردن خودش در پلکان خانه، کاری میکرده است که مادرش بخندد و حالش بهتر شود. جیم، کم سن و سال ترین عضو خانواده اش است. پدرش نوازنده ساکسیفون بود که بعدها به شغل حسابداری روی آورد. اما در سن 51 سالگی، شغل خود را از دست داد و کری در سن شانزده سالگی، مدرسه را ترک کرد. او می گوید: در آن زمان بود که طعم فقر را چشیدیم و من و فرزند دیگر خانواده برای خود کاری پیدا کردیم. اعضای خانواده مادر شغلهای مختلف نگاهتانی و سراینداری (خندنگاری) مشغول به کار شدند و من از این موضوع، خشمگین بودم و از همه بیشتر، خشمگین از بلای بودم که بر سر پدرم آمده بود و دلم می خواست، محکم توی سر کسانی که پدرم را به این روز انداخته بودند، بزنم. جیم درباره ارتباط این سختی ها با کمدی می گوید: مردم برای انجام هر کاری نیاز به یک محرک دارند و من فکر میکنم که بدون چشیدن مزه محرومیت و بیچارگی، هیچ چیزی را فرا نمیگرفتند.

استیصال و درماندگی جزء لازم یادگیری و اختراع هر چیز در دنیا است. او در هفده سالگی برای نجات خانواده اش از گرفتاری و تنگدستی، در کلر پهای تورنتو، مشغول به بازی در نمایشهای خنده دار و کمدی شد. در 21 سالگی، به عنوان تقلید کار در برنامه نمایش شب ایفای نقش کرد، اما دیگر این کار را ادامه نداد، چون نمیخواست از راه تقلید از آدمهای دیگر به شهرت برسد. کری از روزهایی سخن گفت که از مواد مخدر با الکل استفاده می کرد و روزی به این نتیجه رسید که داشتن یک زندگی معنوی، وی را شاد می کند. او معتقد است، مصرف این گونه

AfghanSearch.com
Your Search Ends Here...

از عزیزانی که مایلند آگهی هایشان در این ماهنامه درج گردد، خواهشمند است با شماره تلفن: 1525 - 522 (818) تماس حاصل فرمایند.

3 سطر آگهی فقط 30 دلار